

مقاله پژوهشی:

تحلیلی بر راهبردهای تقابل با حضور ایالات متحده آمریکا در محیط امنیتی آسیای مرکزی

مجید رضائی^۱، رضا امیری مقدم^۲ و محسن مرادیان^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۸

چکیده

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آمریکایی‌ها با خلأ قدرت ایجادشده در آسیای مرکزی راهبرد نفوذ در حیات خلوت رقبای آسیایی خود اعم از چین، روسیه و ایران را مطرح نمودند. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر به بهانه مقابله با افراط‌گرایی اسلامی و سرکوب گروه‌های تروریستی به‌طور رسمی اقدام به ایجاد پایگاه نظامی در آسیای مرکزی نموده و نیروهای نظامی خود را به منطقه گسیل نمود. این راهبرد آمریکا آغاز کنشگری مستقیم آن در محیط امنیتی آسیای مرکزی بوده است. بر همین اساس، یکی از اهداف حضور ایالات متحد آمریکا در محیط امنیتی منطقه آسیای مرکزی عملیاتی نمودن راهبرد مهار جمهوری اسلامی ایران است. در این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و از طریق مطالعه میدانی و اخذ نظرات متخصصین و کارشناسان حوزه مطالعات منطقه آسیای مرکزی اقدام به تحلیل راهبردی از تبعات حضور ایالات متحده در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران گردید. بر اساس نتیجه تحلیل سوات (SWOT) راهبرد بهینه‌گزینش‌شده، راهبرد رقابتی «ST» است و برای دوری از تهدیدها، از نقاط قوت استفاده می‌کند و به‌منظور مقابله با استراتژی‌های مغرضانه ایالات متحده آمریکا علیه کشور در محیط امنیتی آسیای مرکزی، مؤثر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: محیط امنیتی، آسیای مرکزی، راهبرد، ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران

۱. دانشجوی دوره دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) rmz.majid1969@Gmail.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امام محمد باقر (ع) reza.amiri.moghaddam@Gmail.com

۳. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی Mohsenmoradian@hotmail.com

مقدمه

محیط‌های امنیتی به‌طور ماهوی متعدد، متحول و درهم‌تنیده هستند و رسیدن به تصویری جامع از محیط امنیتی، کاری بسیار دشوار و دیرپاب است. مباحث محیط امنیتی دارای جوهره چالشی بوده و گستره و عمق آن در معرض تغییر و تحول دائمی است. درک محیط امنیتی از عوامل مؤثر در تدوین راهبردهای امنیتی هر کشور به شمار می‌آید و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها اجتناب‌ناپذیر است. کشورها در فضای امنیتی تعریف‌شده برای خود تلاش می‌کنند ضمن افزایش عمق محیط خود از گسترش عمق محیط امنیتی رقبای خود جلوگیری کنند.

غفلت از محیط‌های امنیتی در تدوین راهبردهای کلان امنیتی می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری را برای کشورها به همراه داشته باشد. غافلگیری راهبردی، کاهش دامنه ریسک‌پذیری، افزایش آسیب‌پذیری، کاهش قدرت عکس‌العمل و انعطاف‌پذیری راهبردی و کاهش انسجام راهبردی و عدم تدوین راهبردهای امنیتی بهینه از تبعات تعلل در اتخاذ راهبردهای امنیتی مبتنی برای ویژگی‌های محیط‌های امنیتی کشورهاست.

آسیای مرکزی منطقه‌ای دارای مشخصات جغرافیایی، سیاسی، امنیتی و... ویژه است که در فضای رقابت‌های قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای با قرارگیری در محل اتصال منطقه ژئواستراتژیک اوراسیای مرکزی با دو منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه و شرق آسیا، به یکی از کانون‌های مهم همکاری، رقابت و تضاد در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. در ابعاد کلان، منطقه آسیای مرکزی، حوزه نفوذ امنیتی و نظامی روسیه و نفوذ اقتصادی چین است و ایالات متحده نیز در تلاش است که به طرق مختلف به رقابت با این کنشگران منطقه‌ای در آسیای مرکزی بپردازد.

امروزه آمریکایی‌ها با حضور در آسیای مرکزی اهداف راهبردی چندگانه‌ای را دنبال می‌کنند که یکی از اصلی‌ترین آن‌ها ترغیب کشورهای منطقه برای فاصله‌گیری از ایران و ممانعت از نفوذ راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه است. بر همین اساس، انجام مطالعات جامع به‌منظور خشتی‌سازی نقشه‌های آمریکایی‌ها در منطقه و ایجاد فرصت‌هایی

جهت همکاری‌های بهینه امنیتی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر مبنای تحلیل راهبردی از فرصت‌ها و تهدیدات، نقاط قوت و نقاط ضعف بسیار ضروری و بااهمیت جلوه می‌کند.

وجود خلأهای زیاد در تعریف و تبیین دقیق و بهینه راهبردهای امنیتی کشور در محیط امنیتی آسیای مرکزی، تأثیرات مستقیم گذاشته و راهبردهای کلان‌گسترش، تحکیم و تثبیت محیط امنیتی کشور در آسیای مرکزی را با چالش‌های بزرگی مواجه نموده است. از علل مهم این رخداد، عدم شناخت کافی از شاخص‌های ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی، عدم اشرافیت کامل به نقش آفرینی و کنشگری بازیگران و رقبای فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای، نبود مطالعات جامع در حوزه مؤلفه‌های امنیتی تنش‌زا و چالش‌برانگیز در کشورهای آسیای مرکزی، عدم تبیین دقیق سیاست‌های منطقه‌ای، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی کشور در قبال منطقه آسیای مرکزی است.

آنچه که اکنون توجه به منطقه آسیای مرکزی را به‌مثابه یکی از محیط‌های امنیتی پیرامونی کشور بیش از گذشته ضروری ساخته است، آشکار شدن وجوه مختلفی از فرصت‌ها و تهدیدات امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران در قبال کنشگری ایالات متحده آمریکا است که ماهیت پیچیده و چندوجهی این تهدیدات به شکل و مستقیم و غیرمستقیم در حوزه‌های اقتصاد (تقلیل روزافزون جایگاه ایران در بازارهای این منطقه)، انرژی (طرح کاسا هزار و پروژه خط لوله تاپی)، حمل‌ونقل (یک کمر بند، یک راه و راه لاجورد)، سیاست (تنش در روابط با تاجیکستان در نتیجه فعالیت‌های کشورهای متخاصم از جمله آمریکا و عربستان سعودی)، همکاری‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی (مانعت از عضویت ایران در سازمان شانگهای، تضعیف اکو توسط قدرت‌های بین‌المللی)، نظامی و امنیتی (حضور آمریکا و ناتو در منطقه و بازگشت تدریجی روسیه و پایگاه‌های راداری رژیم صهیونیستی از جمله در ترکمنستان)، فرهنگی (تضعیف نهاد اسلام سنتی در آسیای مرکزی و شیوع افراط‌گرایی مذهبی و شیعه‌ستیزی و ایران‌هراسی در منطقه، انتقال داعش به شمال افغانستان و رخنه آن‌ها به آسیای مرکزی) و... هستند. تهدیداتی که با هدف

منزوی ساختن جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف و تکمیل کمربند محاصره ایران توسط نیروهای متخاصم در منطقه آسیای مرکزی در حال پیگیری و اجرا است. لذا سؤالی که در اینجا تحقیق حاضر به دنبال یافتن جواب برای آن می‌باشد، این است که؛ راهبردهای کلان جمهوری اسلامی ایران برای تقابل با کنشگری ایالات متحده آمریکا در محیط امنیتی آسیای مرکزی کدام‌اند؟

پیشینه تحقیق

اخیراً مطالعات و تحقیقات زیادی در مورد تبعات حضور آمریکا در مناطق پیرامونی کشور و محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی صورت پذیرفته است، تعدادی از مطالعات صورت گرفته و نتایج مستخرجه از آن‌ها به شرح زیر است:

فرهادی (۱۳۹۵)، در پژوهش خود تحت عنوان؛ تغییر رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در آسیای میانه و تأثیر آن بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در فصلنامه امنیت ملی سال هفتم، شماره ۲۳، رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا را در آسیای مرکزی و تأثیرات آن در دوره‌های تاریخی سه‌گانه قبل از ۱۱ سپتامبر، بعد از ۱۱ سپتامبر و در دهه اخیر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران مورد مطالعه قرار داده و نقش بازیگران منطقه‌ای مثل چین، روسیه، ایران را در تغییر و تثبیت رویکرد سیاست خارجی آمریکا برای حضور و دخالت در محیط امنیتی کشور در آسیای مرکزی اثرگذار دانسته است.

کرمی و کریمیان (۱۳۹۶)، در پژوهش خود تحت عنوان؛ «ایران و آسیای مرکزی روندهای منطقه‌ای و چشم‌انداز آینده»، چاپ شده در فصلنامه سیاست جهانی، دوره ششم، شماره سوم، به بررسی روندهای منطقه‌ای و چشم‌اندازهای آینده ایران و آسیای مرکزی در حوزه‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پرداخته‌اند. بر مبنای نتایج تحقیق سیاست کلان ایران در قبال منطقه آسیای مرکزی تدافعی (جلوگیری از ناامنی و تهدید احتمالی)، محتاطانه، حفظ وضع موجود و حرکت در محدوده سیاست خارجی روسیه است.

آقاجانی و متقی (۱۳۹۷)، در تحقیق خود تحت عنوان؛ «سناریوهای محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در راهبردهای کنش فعال»، چاپ شده در فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره ۲۵، در تدوین و طراحی سناریوهای چهارگانه برای ترسیم راهبردهای کنش فعال در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، از روش تصویر بزرگ استفاده می‌شود. گزاره‌های اصلی هر یک از سناریوها به شرح ذیل است:

الف) سناریوی تقابل جویی نظام سلطه (بدترین سناریو- جمهوری اسلامی ایران درگیر منازعات منطقه‌ای می‌شود).

ب) سناریوی تزاخم جریان سازش در منطقه (سناریوی نامطلوب- استکبار و جریان سازش در منطقه می‌کوشند، جمهوری اسلامی ایران را در منطقه زمین گیر کنند).

ج) سناریوی رقابت قدرت‌های منطقه‌ای (سناریوی چالشی)(جمهوری اسلامی ایران از مزیت رقابتی خود در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی بهره می‌گیرد).

د) سناریوی همگرایی جبهه مقاومت (سناریوی مطلوب)(جمهوری اسلامی ایران جایگاه خود را به‌عنوان یک قدرت نوظهور جهانی تثبیت می‌کند).

تحقیقات دیگر به‌عمل آمده مطابق جدول ذیل است:

مشخصات	علاقه ژئوپلیتیک و راهبرد ملی، مورد: ایران نسبت به آسیای مرکزی -سید محمودرضا شمس دولت‌آبادی، ۱۳۸۷ دانشگاه عالی دفاع ملی - رساله دکتری
روش	توصیفی - تحلیلی
نتیجه	شکاف‌های ناشی از رقابت‌های چین، روسیه با آمریکا امکان بازی کارت ایران را فراهم کرده است و عضویت ناظر ایران در پیمان همکاری منطقه‌ای شانگهای و عضویت کامل در آینده در این پیمان با پیشنهاد چین و روسیه از فرصت‌های به‌دست‌آمده از این شکاف‌ها در منطقه تلقی می‌گردد.
مشخصات	آسیای مرکزی در تصور ژئوپلیتیکی ایرانی‌ها، «ادوارد وست نید»، ۲۰۱۷ م
روش	روش تحقیق: توصیفی و زمینه‌ای
نتیجه	در این تحقیق موضع ایران نسبت به مسائل مهم آسیای مرکزی که به دیپلماسی ایران در آسیای مرکزی شکل می‌دهد، تحلیل شده است. مجموعه عوامل مهمی مانند همکاری اقتصادی منطقه‌ای، سیاست خط لوله، وضعیت دریای خزر، همکاری امنیتی و دیپلماسی فرهنگی شکل‌دهنده دیپلماسی ایران در منطقه آسیای مرکزی هستند. ایران بر اساس منافع ژئواستراتژیک خود، ثبات نسبی و افزایش نقش بین‌المللی به دنبال معامله هسته‌ای به‌عنوان بازیگر اصلی در سطح منطقه آسیای مرکزی مطرح شده است.

<p>ویژگی‌ها و چالش‌های محیط امنیتی پیرامون جمهوری اسلامی ایران با رویکرد مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای؛ عنوان پژوهشگر: حسین عصاریان‌نژاد و محمدجواد علیزاده، سال انتشار: فصلنامه امنیت، سال یکم، شماره دوم، ۱۳۹۰</p>	<p>مشخصات</p>
<p>توصیفی - تحلیلی</p>	<p>روش</p>
<p>کشور جمهوری اسلامی ایران به لحاظ جایگاه بی‌بدیل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود، یکی از متغیرترین محیط‌های امنیتی را به‌ویژه در سطح منطقه‌ای داراست. به همین سبب «تیین» و «تشریح» واقع‌بینانه و علمی ویژگی‌های محیط امنیتی و آگاهی و شناخت دقیق از «داده‌هایی» که وارد سیستم محیط پیرامونی ایران می‌گردد، موجب می‌شود تا به این قابلیت و توانایی دست بیابیم تا در مقابل تغییرات محیط امنیتی کشور، ضمن آمادگی مواجهه با آن‌ها، ابتکار عمل لازم را برای تبدیل تهدیدات به فرصت‌ها یا حداقل تعدیل قابل توجه تهدیدات در دست داشته باشیم.</p>	<p>نتیجه</p>

با جمع‌بندی پیشینه تحقیق؛ مبرهن است با اینکه جمهوری اسلامی ایران نگران کنشگری بازیگری مثل ایالات متحده در آسیای مرکزی است، لیکن برای تقابل با آن راهبردهای مشخص، مدون و پایدار ندارد. بر همین اساس، نتایج این تحقیق می‌تواند در تدوین راهبردهای کلان امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قبال محیط امنیتی آسیای مرکزی برای تقابل با راهبردهای ایالات متحده آمریکا، افق‌های جدیدی را روشن نماید.

چارچوب نظری تحقیق

محیط امنیتی

اگرچه تعریف مشخص و روشنی توسط صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه امنیتی در خصوص محیط امنیتی^۱ صورت نگرفته، لیکن با بهره‌گیری از تعاریف قریب به مضمون و یا نزدیک به مفهوم محیط امنیتی تلاش می‌گردد که رهیافتی برای درک و شناخت بهتری از محیط امنیتی ارائه شود. از آنجایی که ادبیات نظری مربوط به این واژه ترکیبی در منابع و مکاتب لاتین یافت نمی‌شود، معادل محیط امنیتی در واژگان کلیدی انگلیسی ترکیبی از عباراتی از قبیل؛ امنیت سرزمینی^۲، امنیت پیرامونی^۳ و امنیت منطقه‌ای^۴ است (مصاحبه با محمدرضا حافظ‌نیا، ۱۳۹۸).

1. Security Environment
2. Homeland Security
3. Peripheral Security
4. Regional Security

بوزان^۱ (۱۹۹۱ م) در تعریفی پیرامون مجموعه امنیتی منطقه‌ای، نزدیکی جغرافیایی با محیط امنیتی را در شکل‌گیری محیط امنیتی تأثیرگذار دانسته و بیان داشته: «دسته‌ای از کشورها با شبکه‌ای از روابط امنیتی متمایز و مهم با داشتن بالاترین سطح وابستگی متقابل امنیتی که وابستگی نگرانی‌های امنیتی آنان به حدی است که تصور امنیت ملی آن‌ها به صورت متمایز از یکدیگر ممکن نباشد.» (بوزان ۱۳۸۷: ۵۴).

محیط امنیتی؛ مجموعه، فضا و شرایطی که یک کشور باید در آن منافع کلیدی و حیاتی امنیت خودش را جستجو، تعقیب و تأمین، حفظ کرده و ارتقاء، ببخشد و آن را به سطح قدرت ملی خود پیوند بدهد. محیط امنیتی محیطی است که در خدمت توسعه است اما باید اول امنیت حفظ، تأمین و ارتقاء پیدا کند، بعد این را به قدرت ملی ملحق نموده و از آن برای پیشرفت و توسعه خود استفاده کند (مصاحبه با حسین عساریان‌نژاد، ۱۳۹۸).

امنیت محیطی فضایی است که در آن بازیگران مختلف می‌توانند نیازهای امنیتی خود را با استفاده از قابلیت‌های موجود در محیط جغرافیایی دسته‌بندی و امکان‌پذیری آن‌ها را تا رسیدن به هدف فراهم نمایند (فرهادی، ۱۳۹۶: ۱۴۱). به عبارت دیگر محیط امنیتی عبارت است از فضای مشخصی از عناصر و اجزای حیاتی و امنیت‌ساز که موجب دفع تهدید و تسهیل در تحقق منافع امنیت ملی حاکم بر آن محیط می‌شود (عساریان‌نژاد و علیزاده، ۱۳۹۰: ۳۹).

محیط امنیتی کشورها محصول تعامل عوامل متعدد است که در مجموع، ساختار و موازنه قدرت را شکل می‌دهند؛ این محیط عوامل قدرت و ضعف، تهدید و فرصت یک کشور را تعیین می‌کند و از خود آن کشور نیز تأثیر می‌پذیرد. در نظام بین‌الملل کنونی، محیط امنیتی محیط کل نظام و محیط امنیتی هر کشور ویژگی‌هایی دارد که برای شناخت محیط امنیتی باید این ویژگی‌ها را شناخت (امینیان، ۱۳۹۰: ۶). اهم شاخص‌های هر محیط امنیتی؛ پیچیدگی، ناپایداری، غیرخطی بودن، غیرقابل پیش‌بینی بودن آن است (فینی‌زاده بیدگلی، ۱۳۹۵: ۹۲).

درنهایت می‌توان گفت؛ محیط امنیتی منطقه‌ای، عرصه نزدیک و تأثیرگذار دولت است و مجموعه‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی را در برمی‌گیرد. مجاورت جغرافیایی در کنار

قابلیت‌های تهاجمی و ایدئولوژیکی از اصلی‌ترین متغیرهای مؤثر بر درک دولت‌ها از تهدیدهای امنیتی این محیط است.

چیستی و مفاهیم راهبرد

ریشه راهبرد، «استراتژی» و واژه یونانی «استراتژیا»^۱ به معنای «فرماندهی و رهبری» است. مفهوم راهبرد سال‌های سال به‌عنوان یک مفهوم نظامی به کار برده شده است؛ بنابراین راهبرد در این رویکرد عبارت است از علم و هنر آرایش و استقرار ارتش در جنگ. در کشور ما کلمه معادل استراتژی که مورد استفاده قرار گرفته است واژه سوق‌الجیشی است که به‌طور مستقیم به عملیات نظامی مربوط است و به‌عنوان تمرکز واحدهای نظامی و جابه‌جایی آن‌ها به مناسب‌ترین شگرد تعریف شده است (کبیری، ۱۳۸۷:۲۶). راهبرد، طراحی یک نقشه عملیاتی برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده است. در واقع راهبرد، برنامه‌ای است که مسیر رسیدن به اهداف اساسی را مشخص می‌کند (حسن‌بیگی، ۱۳۹۰: ۴۸).

راهبرد هنر، کنترل کردن و استفاده از منابع ملی است که شامل نیروی نظامی نیز می‌شود تا حدی که منابع حیاتی به‌صورت مؤثری در برابر دشمنان واقعی، بالقوه یا حتی فرضی حفظ و ارتقا یابند. ارل نیز راهبرد را محدود به مسائل جنگی و نظامی نمی‌کند بلکه آن را در چارچوب امنیت ملی قلمداد می‌کند و به‌طور مستقیم در ایجاد جنگ و حفظ صلح ضروری می‌داند. وی به‌صورت غیرمتداول بازیگران از قدرت نظامی استفاده می‌کنند، زمانی که سایر ابزارها برای رسیدن به اهداف سیاسی تنظیم شده باشد. گمراه‌کنندگی نیروی نظامی در این قول نهفته است که برای دست یافتن به اهداف خاص برای مدت کوتاه و با هزینه اندک است. در برخی موارد نیز برخی از سیاستمداران استفاده از نیروی نظامی یکی از سریع‌ترین و رضایت‌بخش‌ترین روش‌ها برای دست یافتن به نتیجه هستند؛ اما استفاده احساسی و نامناسب از ابزار نظامی، فجایع ناگواری را همراه می‌آورد (Echevarria, 2017: 27).

کشگری ایالات متحده آمریکا در محیط امنیتی آسیای مرکزی

تا پیش از فروپاشی شوروی، آسیای مرکزی برای ایالات متحده آمریکا منطقه‌ای ناشناخته بود؛ اما برچیده شدن دیوار برلین و بازتعریف نقش آمریکا توسط سیاست‌گذاران خارجی این کشور باعث شد تا این منطقه اهمیت ویژه‌ای پیدا کند. بر این اساس، این کشور به منظور دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیتی درازمدت و مقابله با کشورهای مخالف و مهم‌تر از همه دستیابی به منابع عظیم انرژی کشورهای آسیای مرکزی وارد این منطقه شد. از نظر برژینسکی حضور آمریکا در آسیای مرکزی تنها با هدف دستیابی به منابع عظیم نفت و گاز و یا مقابله با تروریسم نیست. بلکه رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی و به عبارت دقیق‌تر ورود به «خارج نزدیک» روسیه، جلوگیری از ائتلافات نظامی - امنیتی - سیاسی میان کشورهای ایران، چین و برخی دولت‌های منطقه دارای اهمیت زیادی می‌باشند. بر همین اساس، ایالات متحده با بازتعریف راهبردهای خود در قبال آسیا تحت عنوان «بازگشت به آسیا» درصدد است آسیای مرکزی را در اولویت‌های اصلی سیاست خارجی خود قرار دهد (Gussarova, 2019: 17). برای تحقق این راهبرد، ایالات متحده آمریکا مجموعه اقداماتی که زمینه نفوذ و حضور را در بسترهای فرهنگی، اقتصادی و نظامی را فراهم می‌کرد، در دستور کار قرار داد.

در حوزه فرهنگی، این کشور تلاش کرد تا با اجرای برنامه‌های علمی - آموزشی و آکادمیک شامل دانشگاه‌های مترک قرقیز - آمریکا در بیشکک، دانشگاه قزاق - آمریکا در آلماتی و تجهیز کتابخانه‌های مهم این کشورها به وسایل کمک آموزشی مانند دانشگاه آبیلاخان در قزاقستان و همکاری کتابخانه الکترونیکی با کتابخانه ملی جمهوری قزاقستان، جذب و گزینش دانش‌آموزان تیزهوش و مستعد سال پایانی دبیرستان، اعزام سپاه صلح و بنیاد سوروس سلطه فرهنگی خود را در منطقه حفظ کند (محمدی و ورزقانی، ۱۳۹۳: ۶۸).

در حوزه اقتصادی نیز آمریکا با جایگزینی اقتصاد آزاد به جای اقتصاد دستوری کشورهای منطقه، آن را به مقصد صادرات کالاهای خود تبدیل کرد. به‌طور مثال حجم سرمایه‌گذاری این کشور در قزاقستان پس از استقلال تا سقف شش میلیارد دلار نیز رسیده

است. ارائه کمک‌های اقتصادی و تسهیلات تجاری برای قطع وابستگی کشورهای مذکور به روسیه، ایجاد فرصت‌های تجاری برای شرکت‌های آمریکایی، کنترل منابع انرژی خزر، جایگزینی مسیرهای روسیه با مسیرهای انتقال نفت و گاز از مسیر ترکیه و گرجستان از جمله اقدامات ژئواکونومیک آمریکا در این حوزه بوده است. تأسیس خطوط لوله باکو-تفلیس-جیحان و باکو-تفلیس-ارزروم را می‌توان در راستای سیاست محروم کردن روسیه و ایران از تعاملات اقتصادی در منطقه دانست.

سیاست‌های نظامی آمریکا در منطقه به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر با هدف مبارزه با تروریسم در افغانستان و حمله به طالبان و در مقیاس کلان‌تر برای مهار روسیه و ایران وارد فاز جدیدی شد. در این راستا، آمریکا مجموعه‌ای از توافقنامه‌های نظامی و تأسیس پایگاه را در کشورهای منطقه در دستور کار قرار داد که مهم‌ترین آن‌ها تأسیس پایگاه هوایی ماناس در بیشکک پایتخت قرقیزستان بود. این پایگاه نظامی ویژه نیروهای واکنش سریع «تاکماک» بود که در حوزه کمک‌های آموزشی ضد تروریسم به کشورهای منطقه فعالیت می‌کرد (محمدی و رزقانی، ۱۳۹۳: ۶۹).

رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در آسیای مرکزی باعث بی‌نظمی امنیتی و اختلاف و برهم خوردن توازن و تعادل در این منطقه شده و این موضوع، نزدیکی روابط ایران، روسیه، هند و چین را در درک مشترک از تهدیدات مشترک در پی خواهد داشت (فرهادی، ۱۳۹۵: ۱۵۶).

محیط امنیتی آسیای مرکزی تا قبل از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، که در این دوره به علت فقدان وجود ساختار امنیتی و نظامی، گسترش اختلافات قومی بعد از فروپاشی شوروی، اختلافات عرضی و مرزی، عدم پایداری به توافقات امنیتی، موجب گسترش اختلافات در این دوره شده است. این روند با جنگ داخلی تاجیکستان تقریباً دچار ثبات نسبی گردید و تفکر امنیتی در قالب تفکر سامانه‌ای با همکاری همدیگر ظهور یافت و با تأسیس سپاه صلح در تاجیکستان تحقق یافت. روند رشد سریع اسلام‌گرایی با توجه به خلأ ناشی از فروپاشی شوروی، موجب بهانه‌های لازم در راستای تلاش‌های ایالات متحده

آمریکا و ناتو برای افزایش حضور در منطقه شد و در قالب برقراری قراردادهای همکاری دفاعی و مانورهای نظامی مشترک انجام گرفت؛ اما به مرور دگرگونی‌هایی به وجود آمد و در سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۷ میلادی، ضعف نظام امنیت دسته‌جمعی هم‌زمان با این تغییر رویکرد در سیاست خارجی کشورهای منطقه آسیای مرکزی در مرکز ثقل سیاست خارجی ایالات متحده قرار گرفت و دولت ایالات متحده در سال ۱۹۹۷ میلادی، راهبرد جدید خود را در رابطه با آسیای مرکزی بر مبنای تلاش و کمک به کشورهای منطقه در جهت کاستن از وابستگی خود به روسیه، بهره‌برداری از منابع غنی منطقه، جلوگیری از گسترش نفوذ ایران و روسیه در منطقه و تحت نفوذ قرار دادن منطقه مذکور در حوزه منافع راهبردی خود تعریف نمود.

در مرحله دوم، واقعه ۱۱ سپتامبر، وضعیت بین‌المللی و سیاست خارجی آمریکا را دچار تغییر و دگرگونی نموده و مبارزه با تروریسم را به اولویت اصلی سیاست خارجی ایالات متحده تبدیل نمود. البته به دلیل عدم تداوم همکاری روسیه، چین، ایران و آمریکا در این محیط امنیتی، روند همگرایی در این مرحله نیز همچنان در آسیای مرکزی ناکام ماند. مرحله سوم، طی سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از تلاش‌های ناکام غرب برای گسترش انقلاب‌های رنگی در منطقه، سوءظن‌ها نسبت به اهداف غرب در منطقه افزایش پیدا کرده و روس‌ها را متقاعد ساخت که برای حفظ منافع خود نمی‌توانند به همکاری با اروپا و ایالات متحده امیدوار باشند.

راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای تقابل کنشگری در محیط امنیتی آسیای مرکزی
در بدو استقلال کشورهای منطقه آسیای مرکزی، جمهوری اسلامی ایران کوشید تا بر مبنای پیوندهای گسترده تاریخی، تمدنی، مذهبی و زبانی با کشورهای منطقه، از ظرفیت‌های خود در حوزه‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی منطقه برای کنشگری فعالانه‌ای در تعدیل اختلافات و تنش‌های داخلی کشورها مثل تاجیکستان استفاده نماید (Wastnidge, 2017:10). در حوزه اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران در تلاش است با ساماندهی شرایط اقتصاد داخلی کشور

و تقویت بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در کشورهای منطقه سهم خود را در میان شرکا و رقبای اقتصادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ارتقاء ببخشد.

در حوزه امنیتی، راهبرد جمهوری اسلامی ایران بر این است که با کنشگری فعالانه از طریق هم‌افزایی با قدرت‌های منطقه‌ای مثل روسیه در حل و فصل مناقشات و تنش‌های داخلی کشورهای منطقه ایفای نقش نماید. این راهبرد نشان از آن دارد که جمهوری اسلامی ایران امنیت کشورهای منطقه آسیای مرکزی را امنیت خود تعریف کرده است. همچنین در حوزه گسترش دامنه افراطی‌گری و بنیادگرایی اسلامی جمهوری اسلامی ایران، نگرانی‌های مشترکی با کشورهای منطقه دارد (Ramini, 2016:1). بر همین اساس، جمهوری اسلامی ایران درصدد است از طریق گسترش همکاری‌های امنیتی با کشورهای منطقه در ایجاد حلقه‌های امنیتی علیه این گروه‌های تروریستی نقش‌آفرین باشد.

روش تحقیق

از منظر شیوه انجام تحقیق، توصیفی-موردی زمینه‌ای است که بر مبنای کار پیمایشی و استفاده از مصاحبه، پرسشنامه و تکنیک SWOT، است. همچنین با انجام این تحقیق جنبه کاربردی آن در چارچوب تبیین راهبردهای کلان جمهوری اسلامی ایران برای اثرگذاری در محیط امنیتی آسیای مرکزی مشخص خواهد شد.

تهیه داده‌های خام از طریق مصاحبه و پرسشنامه انجام شد. جهت سنجش روایی، سؤال‌های طراحی شده بر اساس شاخص‌ها به خبرگان آشنا به مفاهیم تحقیق تحویل و از آن‌ها خواسته شد، صحت تبدیل شاخص‌ها به سؤال‌ها ارزیابی شود. پس از تأیید خبرگان، پرسشنامه به محدوده مورد مطالعه برده شد و مفاد و اهداف آن با تعدادی از ساکنان این شهر به بحث گذاشته شد. و بدین ترتیب شکل ظاهری، معرفت محتوایی، قدر کفایت سنج‌ها و توانایی سؤال‌ها در انعکاس سنج‌ها تأیید شد. برای محاسبه ضریب پایایی، ابتدا در مرحله پیش‌آزمون، ۴۵ پرسشنامه توزیع و تکمیل گردید و در مرحله دوم با استفاده از نرم‌افزار SPSS، ضریب آلفا ۰/۷۵۵ برآورد شد، بنابراین با توجه به اینکه میزان آلفای

کرونباخ محاسبه شده بالاتر از ۰/۷ است، می‌توان گفت که پرسشنامه از پایایی لازم برخوردار است.

جدول (۱): برآورد پایایی ابزار اندازه‌گیری تحقیق

آزمون پایایی	تعداد پاسخگویان (نفر)	ضریب آلفای کرونباخ
پیش‌آزمون	۴۵	-
آلفای کرونباخ	۳۲۲	۰/۷۵۵

تأیید پایایی پرسشنامه تحقیق: میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده بالاتر از ۰/۷ است.

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸).

جامعه آماری تحقیق حاضر تمامی صاحب‌نظران، کارشناسان و متخصصان حوزه مطالعات منطقه‌ای، روابط بین‌الملل، علوم سیاسی، کارشناسان منطقه آسیای مرکزی، دیپلمات‌ها و کارشناسان وزارت امور خارجه است. جامعه نمونه در این پژوهش هدفمند است و جمعیت و حجم نمونه مورد نظر این تحقیق بر مبنای مشاوره با خبرگان، متخصصان، اساتید و صاحب‌نظران حوزه مطالعات آسیای مرکزی از طریق تکمیل پرسشنامه طراحی شده تا ۴۵ نفر و مصاحبه تا اشباع نظری تعیین شده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در راستای برنامه‌ریزی استراتژیک امنیت از تکنیک سوات^۱ (SWOT) استفاده شده است. ماتریس «سوات» یک چارچوب مفهومی برای شناسایی و تحلیل «تهدیدها»^۲، «فرصت‌ها»^۳، در محیط خارجی و ارزیابی «ضعف‌ها»^۴ و «قوت‌های»^۵ درونی یک سیستم است (گلکار، ۱۳۸۴: ۴۶). این تکنیک به صورت تفصیلی در قالب مقاله‌ای کلاسیک در سال ۱۹۸۲ میلادی توسط «هاینز وی ریچ»^۶ با نام «ماتریس سوات: ابزاری برای سنجش وضعیت» معرفی شده است. برای ترسیم ماتریس، باید نقاط

1. Strengths- Weaknesses-opportunity- Treats
2. Treats
3. Opportunities
4. Weaknesses
5. Strengths
6. Heinz Wehrich

قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها مشخص شود. نقاط قوت و ضعف بیانگر وضعیت درونی، و فرصت‌ها و تهدیدها بیانگر عوامل بیرونی سیستم هستند. به عبارت دیگر، تحلیل قوت‌ها، ضعف‌ها در محیط درونی و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدها از محیط بیرونی، یک جریان نظام‌مند است (ابراهیم‌زاده و موسوی، ۱۳۹۳: ۷۶). در مرحله بعد این چهار مؤلفه دو به دو در مقابل هم قرار گرفته، که از این مقابله و ترکیب، راهبردها به دست می‌آیند. در واقع با استفاده از این تکنیک، پژوهش حاضر به دنبال تحلیلی درست از توانایی‌ها و ضعف‌های موجود در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و ارائه راهبردهای مناسب جهت دستیابی به امنیت پایدار در محیط امنیتی کشور است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

سنجش عوامل داخلی و خارجی^۱: در این مرحله با استفاده از پرسشنامه، مهم‌ترین نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها از دیدگاه استادان، متخصصان و کارشناسان حوزه مطالعات امنیتی و آسیای مرکزی مورد سنجش قرار گرفت. بر این اساس، مهم‌ترین ویژگی‌های محیط داخلی و خارجی محدوده مورد مطالعه به تفکیک هر کدام از ابعاد مورد بررسی، به شرح جداول (۶-۳) می‌باشد. در ستون اول این جداول، عوامل خارجی و داخلی، مهم‌ترین نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی از قبیل حضور ایالات متحده آمریکا ذکر شده‌اند. در ستون دوم، به هر یک از این عوامل بر اساس نتایج حاصل از پیمایش صورت گرفته، وزنی از یک (مهم‌ترین) تا صفر (بی‌اهمیت‌ترین) اختصاص یافته است؛ هر چقدر وزن یک عاملی بیشتر باشد، نقش آن در تحولات محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی بیشتر خواهد شد. در ستون سوم جداول مذکور، به هر عامل امتیازی از چهار (بسیار خوب) تا یک (ضعیف) داده شده است. در ستون چهارم امتیاز وزنی عوامل محاسبه شده که با ضرب وزن به رتبه عوامل به دست آمده است. سرانجام

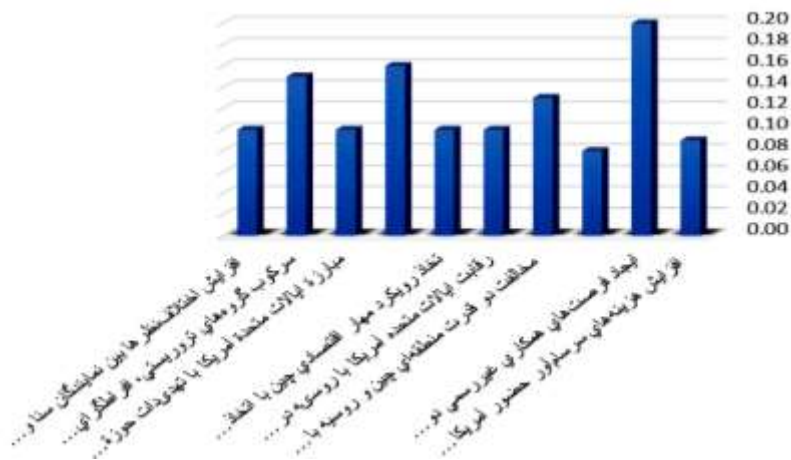
امتیازات وزنی تمام عوامل خارجی و داخلی در ستون چهارم به طور جداگانه با یکدیگر جمع گردیده و محاسبه شده است. امتیاز وزنی کل نشان می‌دهد که یک سیستم چگونه به عوامل و نیروهای موجود و بالقوه در محیط بیرونی‌اش پاسخ می‌دهد. همیشه متوسط امتیاز وزنی کل در یک سیستم در یک زمینه، عدد سه است (اعرابی، ۱۳۹۲: ۵۶)، چنانچه بالاتر از آن باشد، اهمیت آن بیشتر و اگر کمتر از آن باشد، از اهمیت و تأثیرگذاری کمتری برخوردار است.

بر اساس تحلیل‌های صورت‌گرفته، جمع وزن عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) برابر با «۱» بوده و مجموعه امتیاز وزنی عوامل خارجی برابر با «۲/۲۸» می‌باشد. نتایج حاصل از اولویت‌بندی نقاط فرصت‌ها و تهدیدها (عوامل خارجی) نشان می‌دهد که مهم‌ترین فرصت‌هایی که در زمینه اثرگذاری بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی به علت حضور ایالات متحده آمریکا وجود دارد، عبارت‌اند از: ایجاد فرصت‌های همکاری غیررسمی دو کشور برای مهار دامنه بحران‌های تروریستی و گسترش تفکر اسلام‌رادیکالی در منطقه آسیای مرکزی با امتیاز وزنی [۰/۲۰]، به‌عنوان مهم‌ترین فرصت، کاهش عمق راهبردی نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه آسیای مرکزی در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران با امتیاز وزنی [۰/۱۶]، دومین فرصت و سرکوب گروه‌های تروریستی، افراط‌گرایی اسلامی مثل طالبان و داعش از سوی نیروهای آمریکایی با امتیاز وزنی [۰/۱۵]، سومین فرصت برای این مناطق شناخته شده‌اند. کم‌اهمیت‌ترین فرصت از دیدگاه پاسخگویان، محصور بودن منطقه آسیای مرکزی در خشکی است که موجب وابستگی منطقه به همسایگان و کاهش وابستگی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای گردیده است. که با امتیاز [۰/۰۸] و افزایش هزینه‌های سرسام‌آور حضور آمریکا در منطقه آسیای مرکزی با امتیاز وزنی [۰/۰۹] می‌باشد (جدول ۲ و شکل ۱).

جدول (۲): تجزیه و تحلیل فرصت‌های حضور ایالات متحده آمریکا در محیط امنیتی آسیای مرکزی

امتیاز وزنی	رتبه بندی	وزن	فرصت‌ها
۰/۰۹	۲	۰/۰۴۸	O ₁ - افزایش هزینه‌های سرسام‌آور حضور آمریکا در منطقه آسیای مرکزی
۰/۲۰	۴	۰/۰۵۲	O ₂ - ایجاد فرصت‌های همکاری غیر رسمی دو کشور برای مهار دامنه بحران‌های تروریستی و گسترش تفکر اسلام رادیکالی در منطقه آسیای مرکزی
۰/۰۸	۲	۰/۰۴۰	O ₃ - محصور بودن منطقه آسیای مرکزی در خشکی موجب وابستگی منطقه به همسایگان و کاهش وابستگی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای گردیده است.
۰/۱۳	۳	۰/۰۴۵	O ₄ - مخالفت دو قدرت منطقه‌ای چین و روسیه با حضور نظامی آمریکا در منطقه آسیای مرکزی
۰/۱۰	۲	۰/۰۵۱	O ₅ - رقابت ایالات متحده آمریکا با روسیه در عرصه آسیای مرکزی
۰/۱۰	۲	۰/۰۵۱	O ₆ - اتخاذ رویکرد مهار اقتصادی چین با اتخاذ سیاست ثقل‌گرایی آسیایی آمریکا
۰/۱۶	۴	۰/۰۴۱	O ₇ - کاهش عمق راهبردی نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه آسیای مرکزی در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران
۰/۱۰	۲	۰/۰۵۲	O ₈ - مبارزه ایالات متحده آمریکا با تهدیدات حوزه تروریسم اسلام‌گرایان افراطی
۰/۱۵	۳	۰/۰۵۰	O ₉ - سرکوب گروه‌های تروریستی، افراط‌گرای اسلامی مثل طالبان و داعش از سوی نیروهای آمریکایی
۰/۱۰	۳	۰/۰۳۶	O ₁₀ - افزایش اختلاف نظرها بین نمایندگان سنا و دولت فدرال در مورد فرسایشی شدن حضور آمریکا در افغانستان
۱/۲۶	-	۰/۴۷۱	جمع

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸)

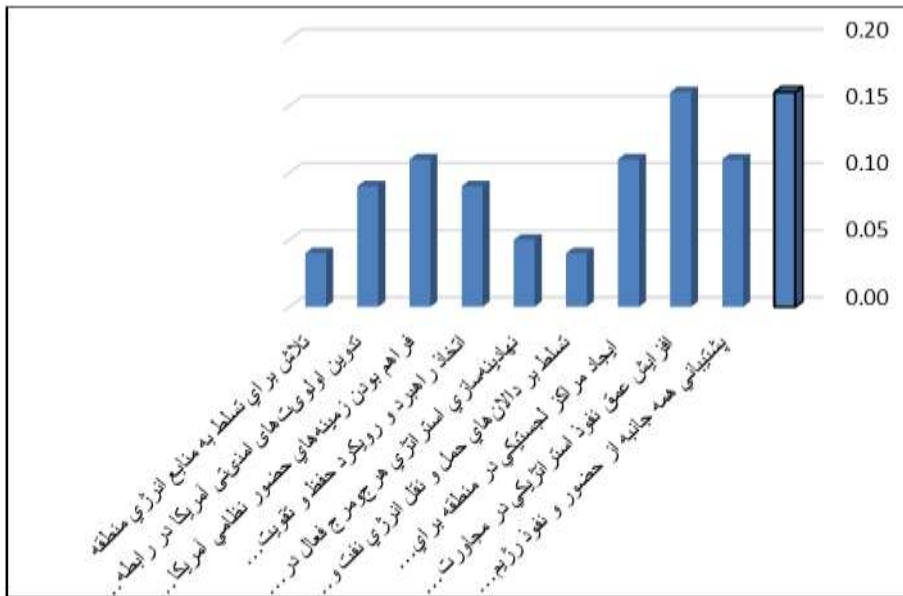


شکل ۱: امتیاز وزنی فرصت‌های حضور آمریکا در محیط امنیتی آسیای مرکزی (منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸)

مهم‌ترین تهدیدهایی که بر اساس پیمایش به عمل آمده، بدین ترتیب مشخص شده است؛ مهار ج.ا. ایران و تکمیل حلقه محاصره استراتژیک در محیط امنیتی و پیرامونی کشور با امتیاز وزنی [۰/۱۶] و افزایش عمق نفوذ استراتژیکی در مجاورت مرزهای ایران و روسیه با امتیاز وزنی [۰/۱۶]، هر دو به عنوان مهم‌ترین و اولین تهدید می‌باشند. در جایگاه دوم تهدیدها سه عامل؛ پشتیبانی همه‌جانبه از حضور و نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه با امتیاز وزنی [۰/۱۱]، فراهم بودن زمینه‌های حضور نظامی آمریکا در منطقه در مواقع ضرور به علت ضعف نظام امنیت دسته‌جمعی کشورهای منطقه [۰/۱۱] و ایجاد مراکز لجستیکی در منطقه برای پشتیبانی از نیروهای خود در افغانستان و خاورمیانه با امتیاز وزنی [۰/۱۱] قرار دارند. تلاش برای تسلط به منابع انرژی منطقه با امتیاز وزنی [۰/۰۴] چندان تهدید مهمی برای محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی محسوب نمی‌شود (جدول ۳ و شکل ۲).

جدول (۳): تجزیه و تحلیل تهدیدات حضور ایالات متحده آمریکا در محیط امنیتی آسیای مرکزی

امتیاز وزنی	رتبه بندی	وزن	تهدیدها
۰/۱۶	۳	۰/۰۵۴	T ₁ - مهار ج.ا. ایران و تکمیل حلقه محاصره استراتژیک در محیط امنیتی و پیرامونی کشور
۰/۱۱	۲	۰/۰۵۷	T ₂ - پشتیبانی همه‌جانبه از حضور و نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه
۰/۱۶	۳	۰/۰۵۶	T ₃ - افزایش عمق نفوذ استراتژیکی در مجاورت مرزهای ایران و روسیه
۰/۱۱	۲	۰/۰۵۹	T ₄ - ایجاد مراکز لجستیکی در منطقه برای پشتیبانی از نیروهای خود در افغانستان و خاورمیانه
۰/۰۴	۱	۰/۰۴۸	T ₅ - تسلط بر دالان‌های حمل و نقل انرژی نفت و گاز منطقه
۰/۰۵	۱	۰/۰۵۳	T ₆ - نهادینه‌سازی استراتژی هرج و مرج فعال در حیات خلوت قدرت‌های بزرگ آسیای شرقی؛ نظیر روسیه، چین و هند
۰/۰۹	۲	۰/۰۴۹	T ₇ - اتخاذ راهبرد و رویکرد حفظ و تقویت موقعیت راهبردی خود در آسیای مرکزی
۰/۱۱	۲	۰/۰۵۵	T ₈ - فراهم بودن زمینه‌های حضور نظامی آمریکا در منطقه در مواقع ضرور به علت ضعف نظام امنیت دسته‌جمعی کشورهای منطقه
۰/۰۹	۲	۰/۰۴۸	T ₉ - تدوین اولویت‌های امنیتی آمریکا در رابطه با ایران و رای معادلات امنیتی، نظامی و اقتصادی در منطقه بر اساس سند راهبرد امنیت ملی ایالات متحده
۰/۰۴	۱	۰/۰۴۴	T ₁₀ - تلاش برای تسلط به منابع انرژی منطقه
۱/۰۲	-	۰/۵۲۸	جمع



شکل ۲: امتیاز وزنی تهدیدات حضور آمریکا در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

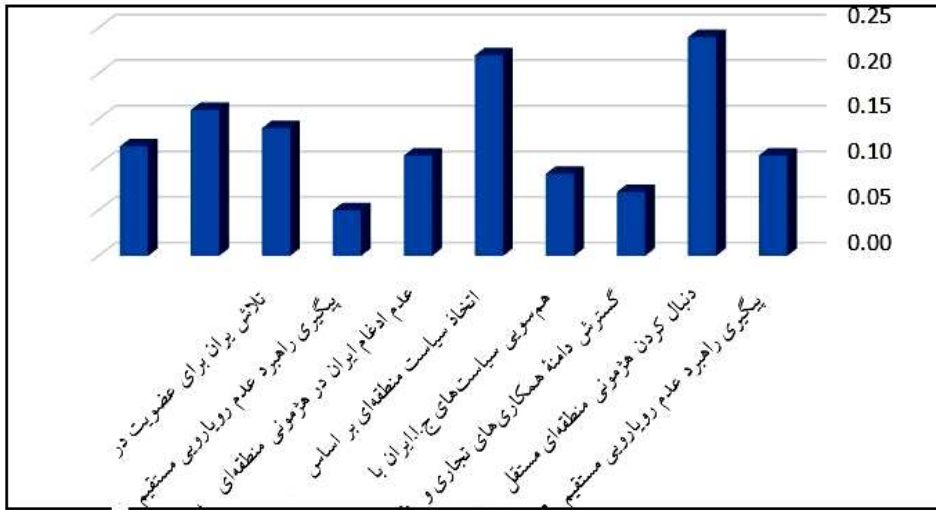
منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸)

جمع وزن عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) برابر با «۱» بوده و مجموعه امتیاز وزنی عوامل داخلی برابر با «۲/۵۸» می‌باشد. تحلیل‌های صورت‌گرفته در زمینه نقاط قوت برنامه‌ریزی راهبردی جمهوری اسلامی ایران در محیط امنیتی آسیای مرکزی برای مقابله با ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که دنبال کردن هژمونی منطقه‌ای مستقل توسط ایران در منطقه با امتیاز وزنی [۰/۲۴] مهم‌ترین نقطه قوت بوده و به ترتیب، اتخاذ سیاست منطقه‌ای بر اساس چالش، رقابت-همکاری با آمریکا و بهره‌جویی از آن برای منافع ملی کشور با امتیاز وزنی [۰/۲۲] و هم‌سویی و هم‌پوشانی علایق و نگرانی استراتژیکی ایران با روسیه در مورد حضور نیروهای آمریکایی در منطقه با گرفتن امتیاز وزنی [۰/۱۶]، دومین و سومین نقاط قوت می‌باشند. پیگیری راهبرد عدم رویارویی مستقیم با آمریکا در منطقه با امتیاز وزنی [۰/۰۵]، کم‌اهمیت‌ترین نقطه قوت منطقه تعیین شده است (جدول ۴ و شکل ۳).

جدول (۴): تجزیه و تحلیل نقاط قوت جمهوری اسلامی ایران در راهبرد مقابله با ایالات متحده آمریکا در محیط امنیتی آسیای مرکزی

امتیاز وزنی	رتبه بندی	وزن	نقاط قوت
۰/۱۱	۲	۰/۰۵۸	S ₁ - افشاگری گسترده از نیت شوم حضور ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیای مرکزی برای روشننگری مردم منطقه
۰/۲۴	۴	۰/۰۶۱	S ₂ - دنبال کردن هژمونی منطقه‌ای مستقل توسط ایران در منطقه
۰/۰۷	۲	۰/۰۳۹	S ₃ - گسترش دامنه همکاری‌های تجاری و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه آسیای مرکزی
۰/۰۹	۲	۰/۰۴۶	S ₄ - هم‌سویی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه مبنی بر عدم حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در حوزه ژئوپلیتیک خزر
۰/۲۲	۴	۰/۰۵۵	S ₅ - اتخاذ سیاست منطقه‌ای بر اساس چالش، رقابت-همکاری با آمریکا و بهره‌جویی از آن برای منافع ملی کشور
۰/۱۱	۲	۰/۰۵۷	S ₆ - عدم ادغام ایران در هژمونی منطقه‌ای آمریکا
۰/۰۵	۱	۰/۰۵۰	S ₇ - پیگیری راهبرد عدم رویارویی مستقیم با آمریکا در منطقه
۰/۱۴	۳	۰/۰۴۸	S ₈ - تلاش ایران برای عضویت در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای در آسیای مرکزی مثل پیمان شانگهای جهت ایجاد و تحکیم ثبات در محیط امنیتی خود در آسیای مرکزی جهت همراهی کشورهای منطقه علیه حضور ایالات متحده آمریکا
۰/۱۶	۳	۰/۰۵۴	S ₉ - هم‌سوی و هم‌پوشانی علایق و نگرانی استراتژیکی ایران با روسیه در مورد حضور نیروهای آمریکایی در منطقه
۰/۱۲	۳	۰/۰۴۱	S ₁₀ - پیگیری مداوم سیاست تحکیم پیوندهای سیاسی، امنیتی، نظامی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه آسیای مرکزی با محوریت کشورهای فارسی‌زبان
۱/۳۵	-	۰/۵۱۵	جمع

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸)



شکل (۳): امتیاز وزنی نقاط قوت جمهوری اسلامی ایران در راهبرد مقابله با حضور آمریکا در محیط

امنیتی آسیای مرکزی

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸)

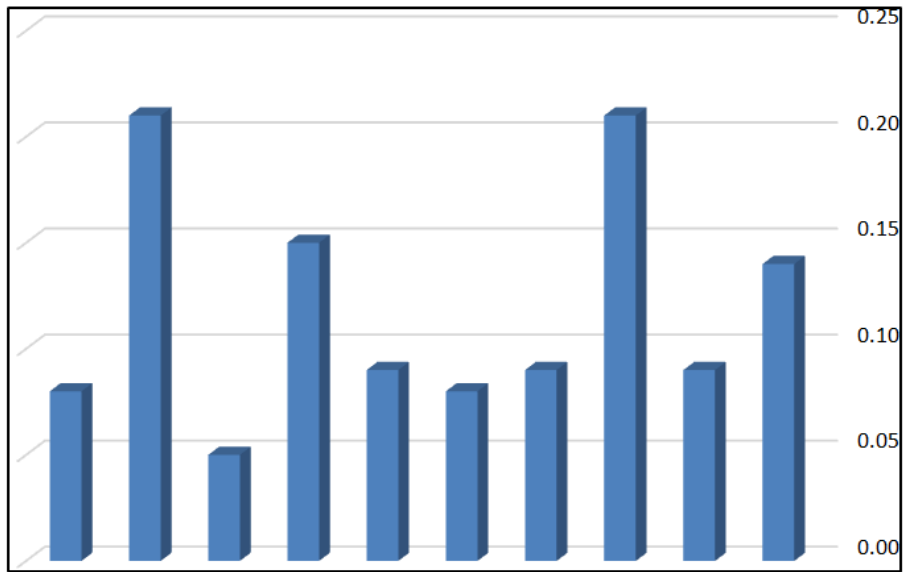
اهم نقاط ضعف برنامه‌ریزی راهبردی جمهوری اسلامی ایران در محیط امنیتی آسیای مرکزی در مقابله با راهبردهای ایالات متحده آمریکا، همکاری‌های نظامی محدود ایران با کشورهای منطقه در حوزه مقابله با افراطی‌گری اسلامی و سرکوب گروهک‌های دست‌نشانده غربی‌ها در منطقه برای نهادینه‌سازی امنیت در محیط امنیتی کشور در آسیای مرکزی و عدم اتخاذ سیاست‌های واقع‌گرایانه ایران با واقعیت‌های امنیتی و عمق راهبردی کشور در محیط امنیتی آسیای مرکزی با امتیاز وزنی [۰/۲۱] هستند که در بین سایر نقاط ضعف بیشترین امتیاز را کسب کرده‌اند و بعد از آن‌ها مسئله عدم توفیق سیاست‌های منطقه‌ای ایران در حوزه نفوذ فرهنگی در منطقه آسیای مرکزی با امتیاز [۰/۱۵] قرار دارد که در جایگاه دوم جای می‌گیرد. در رده آخر، اثرگذار سوء تحریم‌های آمریکا و تحریم‌های بین‌المللی در وجه سیاسی جمهوری اسلامی ایران در محیط امنیتی آسیای مرکزی با امتیاز وزنی [۰/۰۵] قرار دارد (جدول ۵ و شکل ۴).

جدول (۵): تجزیه و تحلیل نقاط ضعف جمهوری اسلامی ایران در راهبرد مقابله با ایالات متحده آمریکا

در محیط امنیتی آسیای مرکزی

امتیاز وزنی	رتبه بندی	وزن	نقاط ضعف
۰/۱۴	۳	۰/۰۴۸	W ₁ - مقطع نگر و عدم تبیین راهبردهای کلان امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در قبال محیط امنیتی آسیای مرکزی برای تقابل با آمریکا در آن عرصه
۰/۰۹	۲	۰/۰۴۷	W ₂ - عدم جلب رضایت همه کشورهای آسیای مرکزی برای موافقت آن‌ها جهت عضویت جمهوری اسلامی ایران در پیمان شانگهای
۰/۲۱	۴	۰/۰۵۴	W ₃ - عدم اتخاذ سیاست‌های واقع‌گرایانه ایران با واقعیت‌های امنیتی و عمق راهبردی کشور در محیط امنیتی آسیای مرکزی
۰/۰۹	۲	۰/۰۴۶	W ₄ - متزلزل شدن فرایند کنشگری ایدئولوژیکی ایران در منطقه با واکنش اعتراضی دولت تاجیکستان به حضور محی‌الدین کبیری - رهبر در تبعید حزب نهضت اسلامی تاجیکستان - در کنفرانس وحدت اسلامی تهران
۰/۰۸	۲	۰/۰۴۱	W ₅ - انزوای جغرافیایی ایران در طرح‌ها و پروژه‌های کلان منطقه‌ای در حوزه حمل‌ونقل و انرژی باعث فرصت‌زایی برای آمریکا جهت کنشگری در محیط امنیتی کشور در آسیای مرکزی گردیده است.
۰/۰۹	۲	۰/۰۴۹	W ₆ - عدم تدوین قوانین و عدم وجود عزم ملی برای سرمایه‌گذاری اقتصادی بهینه ایران در منطقه آسیای مرکزی جهت کاهش نقش آفرینی آمریکا در حوزه اقتصادی منطقه
۰/۱۵	۳	۰/۰۵۰	W ₇ - عدم توفیق سیاست‌های منطقه‌ای ایران در حوزه نفوذ فرهنگی در منطقه آسیای مرکزی
۰/۰۵	۱	۰/۰۵۱	W ₈ - اثرگذار سوء تحریم‌های آمریکا و تحریم‌های بین‌المللی در وجه سیاسی جمهوری اسلامی ایران در محیط امنیتی آسیای مرکزی
۰/۲۱	۴	۰/۰۵۲	W ₉ - همکاری‌های نظامی محدود ایران با کشورهای منطقه در حوزه مقابله با افراطی‌گری اسلامی و سرکوب گروهک‌های دست‌نشانده غربی‌ها در منطقه برای نهادهای امنیتی در محیط امنیتی کشور در آسیای مرکزی
۰/۰۸	۲	۰/۰۴۲	W ₁₀ - فرایند رو به اضمحلال برجام موجب افزایش دامنه بدبینی استراتژیک کشورهای منطقه نسبت به جمهوری اسلامی ایران شده و در تمایل آن‌ها برای برقراری روابط راهبردی با رقبای ایران من جمله آمریکا
۱/۲۳	-	۰/۴۸۴	جمع

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸)



شکل (۴): امتیاز وزنی نقاط ضعف جمهوری اسلامی ایران در راهبرد مقابله با کنشگری آمریکا در

محیط امنیتی آسیای مرکزی منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸)

تعیین راهبرد برتر

همان‌طور که جدول و شکل (۵) نشان می‌دهد، مجموع امتیاز وزنی عوامل درونی در خط افقی و مجموع امتیاز وزنی عوامل بیرونی در خط عمودی قرار می‌گیرد و بعد محل برخورد این‌ها، استراتژی بهینه را نشان می‌دهد. امتیاز وزنی عناصر چهارگانه SWOT، بدین صورت برآورد شده است: ۱- نقاط قوت (۱/۳۵)؛ ۲- نقاط ضعف (۱/۲۳)؛ ۳- فرصت‌ها (۱/۲۶)؛ و ۴- تهدیدها (۱/۰۲). مجموع امتیاز وزنی عوامل درونی «۲/۵۸» است و مجموع امتیاز وزنی عوامل بیرونی «۲/۲۸» به دست آمده است. بر طبق نتیجه به دست آمده، توجه به ارزیابی‌ها و تحلیل‌هایی که با استفاده از تکنیک سوات و ماتریس ارزیابی این تکنیک صورت گرفته است، در مرحله ترسیم مختصات، بیشترین کشیدگی به هر سمت که باشد، استراتژی در آن سمت می‌باشد. در نتیجه با توجه به اینکه کشیدگی به طرف راهبرد رقابتی «ST» است، متمرکز شدن روی فرصت‌ها برای تعدیل و تقلیل نقاط ضعف به منظور

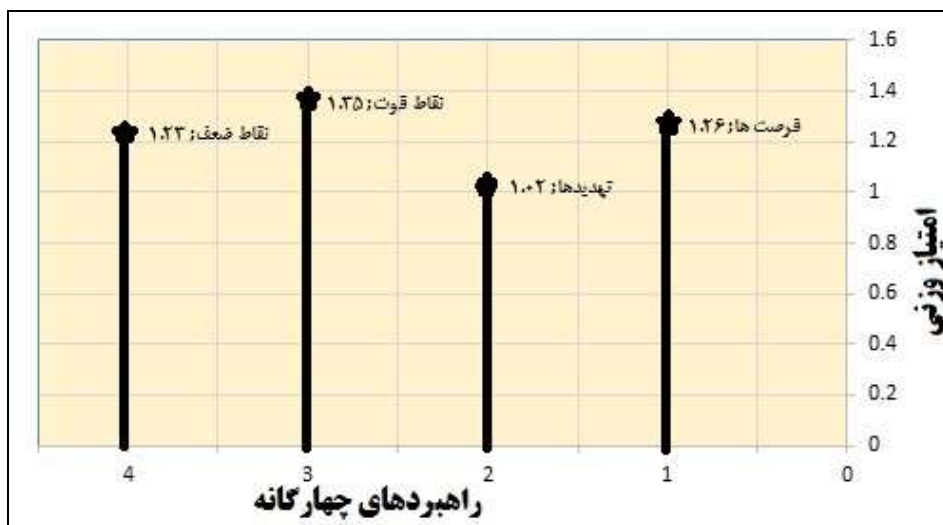
تدوین راهبرد مقابله با استراتژی‌های مغرضانه ایالات متحده آمریکا در محیط امنیتی آسیای مرکزی، مؤثر خواهد بود؛ بنابراین می‌توان گفت که بهترین استراتژی و راهبرد برای این پژوهش، «راهبرد محافظه‌کارانه» (بهره جستن از فرصت‌ها جهت کاستن از نقاط ضعف) است (شکل ۶).

جدول (۶): امتیاز وزنی (SWOT) برنامه‌ریزی راهبردی برای مقابله با کنشگری آمریکا در محیط

امنیتی آسیای مرکزی

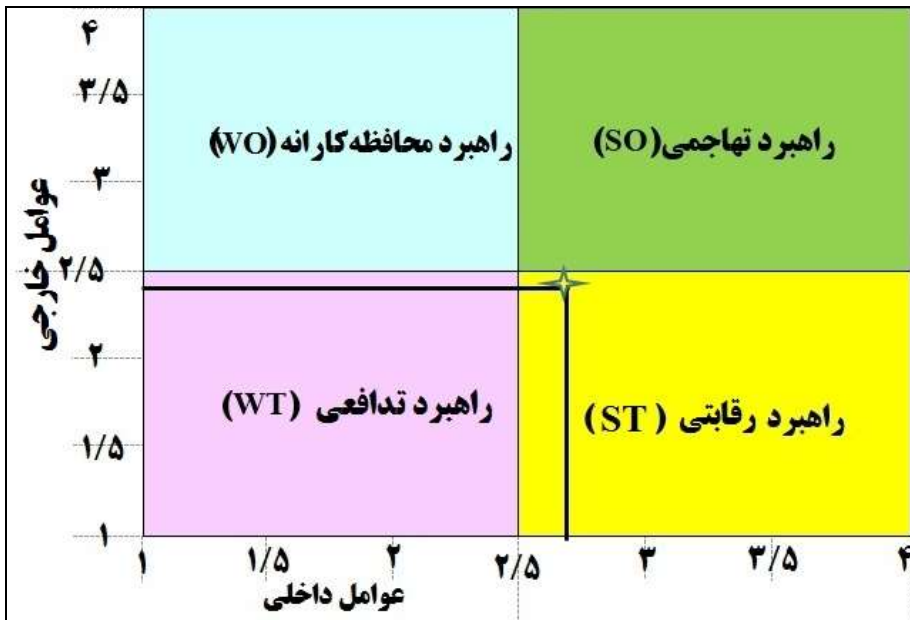
عوامل	عناصر	امتیاز وزنی	جمع امتیاز
داخلی	نقاط قوت	۱/۳۵	۲/۵۸
	نقاط ضعف	۱/۲۳	
خارجی	فرصت‌ها	۱/۲۶	۲/۲۸
	تهدیدها	۱/۰۲	

منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸)



شکل (۵): امتیاز وزنی (SWOT) برنامه‌ریزی راهبردی برای مقابله با کنشگری آمریکا در محیط

امنیتی آسیای مرکزی منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸)



شکل (۶): ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدامات استراتژیک در محیط امنیتی آسیای مرکزی

ترسیم: (نگارندگان، ۱۳۹۸).

تدوین راهبردها

راهبردها برای دستیابی به موقعیتی مطلوب تر تدوین می‌شوند. تدوین راهبردها، بر اساس ترکیب چهار عامل دخیل در مدل برنامه‌ریزی راهبردی صورت می‌گیرد که البته در جریان عمل، برخی از راهبردها با یکدیگر هم‌پوشانی داشته یا به‌طور هم‌زمان و هماهنگ با یکدیگر به اجرا درمی‌آیند. در واقع، برحسب وضعیت مورد مطالعه، چهار دسته راهبرد را که از نظر درجه کنشگری متفاوت هستند، می‌توان تدوین کرد:

- ۱- راهبردهای SO (راهبردهای تهاجمی): با بهره‌گیری از قوت‌ها، درصد بهره‌برداری از فرصت‌ها است؛
- ۲- راهبردهای ST (راهبردهای رقابتی): برای دوری از تهدیدها، از نقاط قوت استفاده می‌کند؛
- ۳- راهبردهای WO (راهبردهای محافظه‌کارانه): با بهره‌جستن از فرصت‌ها، نقاط ضعف را کاهش می‌دهد؛
- ۴- راهبردهای WT (راهبردهای تدافعی): نقاط ضعف را کاهش و از تهدیدها دوری می‌کند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰-۹). اکنون با توجه به

مطالعات وضع موجود و با استنتاج از بررسی‌های موردی، برای اتخاذ راهبرد بهینه جهت مقابله با حضور ایالات متحده آمریکا در محیط امنیتی ج.ا. ایران در آسیای مرکزی، راهبردهای جامع و واقع‌بینانه پیشنهاد می‌گردد. همان‌طور که شکل شماره (۶) نشان می‌دهد، سنگینی عوامل در بردار «ST» متمرکز است. هم‌چنین با توجه به نتایج جداول تجزیه و تحلیل عوامل درونی و خارجی و اهداف کلانی که برای محدوده شناسایی شده‌اند، راهبردهای مقابله با کنشگری ایالات متحده در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی ارائه می‌شود که مبتنی بر بخش‌های چهارگانه تکنیک سوآت است.

جدول (۷): راهبردهای تدوین‌شده بر مبنای فرصت‌ها، تهدیدات، نقاط قوت و نقاط کنشگری ایالات متحده آمریکا در محیط امنیتی آسیای مرکزی

راهبردهای رقابتی (ST)	راهبردهای تهاجمی (SO)
ST ₁ : هم‌سویی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه مبنی بر عدم حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در حوزه ژئوپلیتیک خزر برای محدود کردن خطر گسترش دامنه حضور نظامی آمریکا در محیط امنیتی کشور در آسیای مرکزی (T ₃ , S ₄ و T ₄)؛	SO ₁ : اتخاذ سیاست منطقه‌ای بر اساس چالش، رقابت-همکاری با آمریکا و بهره‌جویی از آن برای منافع ملی کشور جهت ایجاد فرصت‌های همکاری غیررسمی دو کشور برای مهار دامنه بحران‌های تروریستی و گسترش تفکر اسلام رادیکالی در منطقه آسیای مرکزی (O ₂ , S ₅ و O ₉)؛
ST ₂ : افشاگری نیت شوم حضور ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیای مرکزی برای روشن‌گری مردم منطقه از نیت آمریکا برای حمایت از حضور رژیم صهیونیستی در منطقه (S ₁ و T ₂)؛	SO ₂ : تقویت سیاست‌های هم‌سو و هم‌پوشانی علایق و نگرانی استراتژیکی ایران با روسیه در مورد حضور نیروهای آمریکایی برای استفاده بهینه از رقابت ایالات متحده آمریکا با روسیه در عرصه محیط امنیتی کشور آسیای مرکزی (O ₅ و S ₉)؛
ST ₃ : گسترش دامنه همکاری‌های تجاری و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه آسیای مرکزی برای ممانعت از تسلط آمریکا بر منابع و دالان‌های حمل‌ونقل انرژی نفت و گاز منطقه (T ₅ و T ₁₀ و S ₃)؛	SO ₃ : پیگیری راهبرد عدم رویارویی مستقیم با آمریکا در منطقه به‌رغم کاهش عمق راهبردی نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه آسیای مرکزی در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران (O ₇ و S ₇)؛
ST ₄ : تلاش برای عضویت در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای در آسیای مرکزی مثل پیمان شانگهای جهت ایجاد و تحکیم ثبات در محیط امنیتی خود در آسیای مرکزی جهت همراهی کشورهای منطقه علیه حضور ایالات متحده آمریکا (T ₇ و T ₈ و S ₈)؛	SO ₄ : افشاگری گسترده از نیت شوم ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیای مرکزی برای روشن‌گری مردم منطقه در راستای تلاش برای افزایش هزینه‌های سرسام‌آور حضور آمریکا در منطقه آسیای مرکزی (O ₁ و S ₁)؛

<p>ST₅: هم‌سویی و هم‌پوشانی علایق و نگرانی استراتژیکی ایران با روسیه در مورد حضور نیروهای آمریکایی در منطقه، مانعی برای نهادینه‌سازی استراتژی هرج‌ومرج فعال در حیات خلوت قدرت‌های بزرگ آسیای شرقی؛ نظیر روسیه، چین و هند (T₆ و S₅ و S₉)؛</p> <p>ST₆: اتخاذ سیاست منطقه‌ای بر اساس چالش، رقابت- همکاری با آمریکا و بهره‌جویی از آن برای منافع ملی کشور عامل ابر ماندن راهبرد اولویت‌های امنیتی آمریکا در رابطه با ایران، و رای معادلات امنیتی، نظامی و اقتصادی در منطقه بر اساس سند راهبرد امنیت ملی ایالات متحده (T₉ و S₅)؛</p> <p>ST₇: راهبرد عدم رویارویی مستقیم با آمریکا در منطقه به علت احتمال وجود درگیری مسلحانه در عمق نفوذ استراتژیکی در مجاورت مرزهای ایران (T₁ و T₃ و S₆ و S₇)؛</p>	<p>SO₅: تلاش برای عضویت در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای در آسیای مرکزی مثل پیمان شانگهای جهت ایجاد و تحکیم ثبات در محیط امنیتی خود در آسیای مرکزی جهت همراهی کشورهای منطقه علیه حضور ایالات متحده آمریکا با متقاعد کردن دو قدرت منطقه‌ای و رقبای اصلی آمریکا؛ یعنی چین و روسیه (O₄ و S₈)؛</p> <p>SO₆: گسترش دامنه همکاری‌های تجاری و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه آسیای مرکزی به علت محصور بودن کشورهای منطقه در خشکی و وابستگی کشورهای منطقه به جمهوری اسلامی ایران جهت دسترسی به آب‌های آزاد (S₄ و S₃ و O₃)؛</p> <p>SO₇: سیاست تحکیم پیوندهای سیاسی، امنیتی، نظامی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه آسیای مرکزی با محوریت کشورهای فارسی‌زبان با تنگ شدن عرصه بر گروه‌های تروریستی، افراط‌گرای اسلامی مثل طالبان و داعش از سوی نیروهای آمریکایی (O₈ و S₁₀)؛</p> <p>SO₈: دیپلماسی مهار هژمونی منطقه‌ای آمریکا با رویکرد رقابتی ایالات متحده آمریکا با چین و روسیه با اتخاذ سیاست ثقل‌گرایی آسیایی و مخالفت کنکره با حضور مستمر نظامی آمریکا در آسیای مرکزی (O₆ و S₆ و S₂ و O₁₀)؛</p>
<p>راهبردهای تدافعی (WT)</p>	<p>راهبردهای محافظه‌کارانه (WO)</p>
<p>WT₁: مقطع‌نگری و عدم تبیین راهبردهای کلان امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در قبال محیط امنیتی آسیای مرکزی برای تقابل با آمریکا موجبات تکمیل حلقه محاصره استراتژیک در محیط امنیتی آسیای مرکزی شده است (T₁ و W₁ و W₄)؛</p> <p>WT₂: انزوای جغرافیایی ایران در طرح‌ها و پروژه‌های کلان منطقه‌ای در حوزه حمل‌ونقل و انرژی باعث فرصت‌زایی برای آمریکا جهت کنشگری در محیط امنیتی کشور در آسیای مرکزی گردیده و تسلط آن بر منابع و دلان‌های حمل‌ونقل انرژی نفت و گاز منطقه (W₅ و T₅ و T₁₀ و W₆)؛</p>	<p>WO₁: افزایش هزینه‌های حضور آمریکا در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی از طریق جامع‌نگری و تبیین راهبردهای کلان امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در قبال محیط امنیتی آسیای مرکزی برای تقابل با آمریکا در آن عرصه (O₁ و W₁)؛</p> <p>WO₂: همکاری غیر رسمی با آمریکا برای مهار دامنه بحران‌های تروریستی و گسترش تفکر اسلام رادیکالی در منطقه از طریق اتخاذ سیاست‌های واقع‌گرایانه مبتنی بر واقعیت‌های امنیتی و عمق راهبردی کشور در محیط امنیتی آسیای مرکزی (O₂ و W₃)؛</p>

WT₃: عدم اتخاذ سیاست‌های واقع‌گرایانه ایران با واقعیت‌های امنیتی و عمق راهبردی کشور در محیط امنیتی آسیای مرکزی و اتخاذ راهبرد و رویکرد حفظ و تقویت موقعیت راهبردی ایالات متحده آمریکا در محیط امنیتی کشور در آسیای مرکزی (W₃, T₇, T₄);

WT₄: تدوین اولویت‌های امنیتی آمریکا در رابطه با ایران و رای معادلات امنیتی، نظامی و اقتصادی در منطقه بر اساس سند راهبرد امنیت ملی ایالات متحده به دنبال توفیق سیاست‌های منطقه‌ای ایران در حوزه نفوذ فرهنگی در منطقه آسیای مرکزی و اثرگذاری تحریم‌های آمریکا و تحریم‌های بین‌المللی در وجه سیاسی جمهوری اسلامی ایران در محیط امنیتی آسیای مرکزی (W₇, W₉, T₉);

WT₅: فرایند رو به اضمحلال برجام موجب افزایش دامنه بدبینی استراتژیک کشورهای منطقه نسبت به جمهوری اسلامی ایران شده و در تمایل آن‌ها برای برقراری روابط راهبردی با رقبای ایران من جمله آمریکا (W₁₀, T₂)

WT₆: عدم جلب رضایت همه کشورهای آسیای مرکزی برای موافقت آن‌ها جهت عضویت جمهوری اسلامی ایران در پیمان شانگهای به‌رغم نهادینه‌سازی استراتژی هرج‌ومرج فعال در حیات-خلوت قدرت‌های بزرگ آسیای شرقی؛ نظیر روسیه، چین و هند از سوی آمریکا (W₂, T₆)

WT₇: همکاری‌های نظامی محدود ایران با کشورهای منطقه در حوزه مقابله با افراطی‌گری اسلامی و سرکوب گروهک‌های دست‌نشانده غربی‌ها در منطقه برای نهادینه‌سازی امنیت در محیط امنیتی کشور در آسیای مرکزی با افزایش عمق نفوذ استراتژیکی در مجاورت مرزهای ایران و روسیه (W₉, T₃)

WO₃: محصور بودن منطقه آسیای مرکزی در خشکی موجب وابستگی منطقه به همسایگان و کاهش وابستگی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای، فرصتی برای اتمام انزوآوری ایران و حضور در طرح‌ها و پروژه‌های کلان منطقه‌ای در حوزه حمل‌ونقل کالا و انرژی (O₃ و W₆ و W₅);

WO₄: مخالفت دو قدرت منطقه‌ای چین و روسیه با حضور نظامی آمریکا در منطقه آسیای مرکزی فرصتی برای جلب رضایت آن دو کشور برای موافقت آن‌ها جهت عضویت جمهوری اسلامی ایران در پیمان شانگهای (O₅ و O₆ و O و W₂);

WO₅: الزامات سرکوب گروه‌های تروریستی و افراط‌گرای اسلامی مثل داعش فرصتی برای همکاری‌های نظامی ایران با کشورهای منطقه در حوزه مقابله با افراطی‌گری اسلامی و سرکوب گروهک‌های دست‌نشانده غربی‌ها در منطقه برای نهادینه‌سازی امنیت در محیط امنیتی کشور در آسیای مرکزی (O₈ و W₉);

WO₆: کاهش عمق راهبردی نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه آسیای مرکزی در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران فرصتی برای تبیین راهبردهای نظامی جامع برای مقابله بهینه با نیروهای آمریکایی در منطقه (O₇ و W₃).

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

با عنایت به صبغه تاریخی پراشتهای روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بدون شک مهم‌ترین کنشگر در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در مناطق پیرامونی کشور من جمله منطقه آسیای مرکزی، ایالات متحده آمریکا است.

برای مطالعه تبعات حضور آمریکا در محیط امنیتی آسیای مرکزی، برنامه‌ریزی کلان راهبردی بر مبنای بررسی همه‌جانبه فرصت‌ها و تهدیدات حضور و کنشگری آمریکا در آسیای مرکزی و انطباق آن با نقاط قوت و ضعف موجود در راهبردهای کلان سیاسی، امنیتی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور نیاز است. تدوین این راهبرد در گرو مطالعه و شناخت تمام ابعاد اثرگذار در گسترش دامنه تهدیدزایی و فرصت‌آفرینی آمریکا در آسیای مرکزی است. آمریکایی‌ها در راستای عملیاتی کردن راهبرد ثقل‌گرایی آسیایی حضور فیزیکی و مستقیم در نزدیکی مرزهای سیاسی کشورهای رقیب آسیایی خود اعم از چین، روسیه و ایران برای تحت فشار قرار دادن رقبا و رخنه در حیات خلوت، آن‌ها را در دستور کار قرار داده‌اند.

یکی از مناطق هدف برای اجرای نقشه‌ها، خود منطقه آسیای مرکزی است. منطقه آسیای مرکزی به علت موقعیت جغرافیایی کلیدی و واقع شدن در پیوندگاه ارتباطی روسیه، چین و ایران، ممتازترین موقعیت برای کنشگری فعالانه در قبال رقبای مزبور محسوب می‌شود. آمریکایی‌ها تلاش می‌کنند در چارچوب ایجاد پایگاه‌های نظامی، حمایت از احزاب و گروه‌های غرب‌گرا در کشورهای منطقه، طراحی و اجرای انقلاب‌های رنگین، سرمایه‌گذاری اقتصادی در حوزه نفت و گاز، سرمایه‌گذاری در حوزه حمل‌ونقل جاده‌ای، ریلی و هوایی و حمایت از حضور هم‌پیمانان راهبردی خود مثل رژیم صهیونیستی، مقدمات تسلط بر این منطقه استراتژیک را فراهم سازند.

بررسی صورت گرفته در این تحقیق نشان داد که جمهوری اسلامی ایران پتانسیل‌های لازم برای تحت تأثیر قرار دادن آمریکا در محیط امنیتی خود در آسیای مرکزی را داراست.

ایران در حوزه‌های نظامی، امنیتی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی این قابلیت را دارد تا با نفوذ در منطقه و تحت تأثیر قرار دادن کشورهای منطقه، معادلات امنیتی را در محیط امنیتی آسیای مرکزی به نفع خود تغییر داده و محدودیت‌های زیادی برای آمریکا خلق نماید. اهم راهبردهای پیشنهادی برای جمهوری اسلامی ایران جهت مقابله با کنشگری آمریکا در محیط امنیتی آسیای مرکزی در حوزه امنیت و نظامی، شامل موارد ذیل است:

الف) پیگیری راهبرد عضویت در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای در آسیای مرکزی مثل پیمان شانگهای جهت ایجاد و تحکیم ثبات در محیط امنیتی خود در آسیای مرکزی جهت همراهی کشورهای منطقه علیه حضور ایالات متحده آمریکا با متقاعد کردن دو قدرت منطقه‌ای و رقبای اصلی آمریکا یعنی؛ چین و روسیه.

ب) راهبرد عدم رویارویی مستقیم با آمریکا در منطقه به علت احتمال وجود درگیری مسلحانه در عمق نفوذ استراتژیکی در مجاورت مرزهای ایران.

ج) راهبرد ارتقاء همکاری‌های نظامی با کشورهای منطقه در حوزه مقابله با افراطی‌گری اسلامی و سرکوب گروهک‌های دست‌نشانده غربی‌ها در منطقه برای نهادینه‌سازی امنیت در محیط امنیتی کشور در آسیای مرکزی با افزایش عمق نفوذ استراتژیکی در مجاورت مرزهای ایران و روسیه.

د) کاهش عمق راهبردی نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه آسیای مرکزی در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران فرصتی برای تبیین راهبردهای نظامی جامع برای مقابله بهینه با نیروهای آمریکایی در منطقه.

ه) اتخاذ سیاست‌های واقع‌گرایانه ایران با واقعیت‌های امنیتی و عمق راهبردی کشور در محیط امنیتی آسیای مرکزی و اتخاذ راهبرد و رویکرد حفظ و تقویت موقعیت راهبردی ایالات متحده آمریکا در محیط امنیتی کشور در آسیای مرکزی.

و) اتخاذ دیپلماسی مهار هژمونی منطقه‌ای آمریکا با رویکرد رقابتی ایالات متحده آمریکا با چین و روسیه با اتخاذ سیاست ثقل‌گرایی آسیایی و مخالفت کنکره با حضور مستمر نظامی آمریکا در آسیای مرکزی.

ز) تقویت سیاست‌های هم‌سو و هم‌پوشانی علایق و نگرانی استراتژیکی ایران با روسیه در مورد حضور نیروهای آمریکایی برای استفاده بهینه از رقابت ایالات متحده آمریکا با روسیه در عرصه محیط امنیتی کشور آسیای مرکزی.

ح) جامع‌نگری و عدم تبیین راهبردهای کلان امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در قبال محیط امنیتی آسیای مرکزی برای تقابل با آمریکا.

فهرست منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- ابراهیمزاده، عیسی و موسوی، میرنجف (۱۳۹۳)، روش‌ها و تکنیک‌های آمایش سرزمین، تهران، انتشارات سمت.
- اعرابی، سید محمد (۱۳۹۲)، دستنامه برنامه‌ریزی استراتژیک، چاپ هفتم، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- امینیان، بهادر (۱۳۹۰)، محیط امنیتی ایران و تحولات بیداری اسلامی، فصلنامه آفاق امنیت، سال چهارم شماره ۱۳، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، صص ۱۷-۲.
- عساریان‌نژاد، حسین و عزیزاده محمدجواد (۱۳۹۰)، ویژگی‌ها و چالش‌های محیط امنیتی پیرامون جمهوری اسلامی ایران با رویکرد مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای؛ فصلنامه امنیت، سال یکم، شماره دوم.
- عساریان‌نژاد، حسین و نادى، حمیدرضا (۱۳۸۹)، درآمدی بر شناخت و تحلیل محیط امنیتی، مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۴۰، علمی- پژوهشی ۱۷۸-۱۵۳.
- فرهادی، محمد (۱۳۹۵)، تغییر رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در آسیای میانه و تأثیر آن بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه امنیت ملی سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۱۶۴-۱۳۹.
- فینی‌زاده بیدگلی، جعفر (۱۳۹۶)، ارائه الگوی ارتقاء نفوذ در محیط امنیتی در حال گذار، تهران، فصلنامه امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۱۱۹-۸۷.
- کرمی، جهانگیر و کریمیان، علیرضا (۱۳۹۶)، ایران و آسیای مرکزی روندهای منطقه‌ای و چشم‌انداز آینده، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ششم، شماره سوم، صص ۶۳-۴۱.
- گلکار، کورش (۱۳۸۴)، مناسب‌سازی تکنیک تحلیلی سوات برای کاربرد در طراحی شهری، نشریه صفا، دوره ۱۵، شماره ۴۱، ۶۵-۴۴.
- محمدی ورزقانی، بهروز (۱۳۹۳)، بررسی روابط ایران و روسیه در پرتو حضور و نقش ایالات متحده آمریکا در آسیای مرکزی، ره‌آورد سیاسی، شماره ۴۶ و ۴۵، صفحات ۸۶-۵۷.

ب) منابع لاتین

- Buzan, B., & Wæver. (2003), *Regions and Powers: The Structure of International Security*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Echevarria. Antulio J. (2017), *Military Strategy: A Very Short Introduction*, Publisher Oxford University Press.

- Gussarova. Anna (2019), Policy Paper; Central Asia in 2030: SEnECA forecasts for the region and the role of the European Union, Central Asia Institute for Strategic Studie.
- Ramani, S. (2016), Has Iran Finally Found a Security Partner in Central Asia? The Diplomat, May 19, 2016; Published to <http://thediplomat.com/2016/05/has-iran-finally-found-a-securitypartner-in-central-asia>
- Wastnidge, Edward (2017), Central Asia in the Iranian geopolitical imagination, Publisher: Veruscript, Unit 41, Pall Mall Deposit, 124-128 Barlby Road, London, W10 6BL, UK.
- [www. Worldmeter.com](http://www.Worldmeter.com)